فایات استعاذه آورده میشود ع ازین نسیم شود تازه هر کرا یابد اعوذ پناه میگیرم و زینهار میخواهیم و میگریزیم التجا مینماییم بالله معبود
بحق خداوند مطلق که پناه دل نیازمندان و ملجا ضعیفان و بیکسانست من الشیطان از شر وسوسه دیو و فریب دهنده سرکش یا دور مانده
امید از رحمت الرجیم آن دیوی که رانده شده است از روضهای جنان بدور باش بعد و حرمان یا رسیده گشته از طبقات آسمان
بواسطه شهاب درخشان یا دور مانده است از ساحت قرب الهی و در مانده بقید رحمت نامتناهی مراد ازین لفظ دعاست یعنی بار خدایا تو مرا
زینهار ده از شر این عدوی غدار در پناه حمایت و حصار رعایت خود نگاه دار علما تفسیر را در باب وقوع امر باستعاذه دو قول است
اول آنکه حکم باستعاذه مقارن نزول وحی بوده و در تفسیر کبیر بروایه ضحاک از ابن عباس منقول است که جبرئیل امین در مبدا وحی الهی حضرت
رسالت پناهی را باستعاذه فرموده بعد از آن تلقین قراءت کرد و الفاظ وارده بر نهج واست یا محمد استعذ بالله السمیع العلیم
من الشیطان الرجیم ثم قل بسم الله الرحمن الرحیم اقرأ باسم ربک الذی خلق و امام واحدی نیز رحمة الله در اسباب نزول
گفته که اول سخنی که جبرئیل ع با حضرت رسول صلعم گفت این بود که یا محمد استعذ بالله ثم قل بسم الله الرحمن الرحیم بدین
روش ثابت میشود که امر تعوذ در مبدا نزول قرآن بوده قول دوم آن بوده که فرمان ربانی باستعاذه از وسوسه شیطانی در اثنای
نزول آیات بوده و چنانچه در تفسیر تیسیر مذکور است که آیه مشتمل بر امر استعاذه بعد از آن نازل که القا شیطان در تلاوة نبوی صلعم وقوع
یافته بود و بیان صورت این واقعه در محلش از معاضده توفیق مأمولست و جمع بین القولین بدان طریق که ثانی را تاکید اول ازمنه
ممکن است و اهل معنی در باب استعاذه نکتها بسیار گفته اند و از جمله ایراد شش نکته از لوازم مینماید نکته اولی در صفت استعاذه
بدانکه استعاذه مصباح ظهور مرادات است و مفتاح حصول برکات و سعادات و انست زاد راه روندگان راه هست و بدرقه قافله بیقظه درجات
با تاثیر صبح هدایت از افق تلقین الهی ظاهر شد تا ظلمت فریب نفس هوا که کارکنان شیطانند منتفی گردانند لمعه شهاب ثاقب محبت
از آسمان ایمان درخشان گشته تا دیو دنی را بشعله افراق در گورد احتراق بسوزاند نقاب سرا عزت تا جمال حال قاری قرآن برا
محجب شده از چشم زخم وسوسه شیطان محفوظ ماند صیقل انوار مکاشفت تا آیینه سینه را از زنگ غفلت مصفی ساخته قابل عکس
انوار کلام گرداند بدرقه راه سلامت تا سالک منهاج قراءت را از کمینگاه نزغات نفسانی و همزات شیطانی بدار الامان فوز و فلاح
رساند صدای پاسبان مراقبت تا دزد وسواس از حوالی خزانه جوهر معرفت که عبارت از دلست بواسطه استماع آن رمیده نشود
دور باش چاوشان ایوان عظمت تا آن بیگانه ابی و استکبر بسبب صولت حملهٔ ایشان پیرامن حرم دل آشنایان طوف
نماید لشکر بلا و هوس که جنود شیطانند بر صدمت فارسان میدان استعاذه منهزم نشوند اساس سامس (?) که معانی تلبیس است
بر حوزه شیر از متابعت او که تعوذ نشانه آنست منهدم گردد و هر گاه علم استعاذه در ساحت میدان توجه برافراخته شد رایت غوایت آن بوم
ابد مطرود سرنگون گردد و با تاب آفتاب التجا بارباب کواکب مکاید کجا که چون تواند بجوم اعتباری و مانند شراره شهاب
و قراری ندارد و معرفه فنا استوار میشود ب چون نور رحمت در رسد شیطان چه سان تاب آورد خورشید چون کرد عیان خفاش را پنهان
باید شدن در حقایق القرآن آورده که اعوذ بالله کلمه ایست که رستگاران بدان تقرب جویند و رستگاران به برکت او عصمت خواهند

گناهکاران

گناهکاران در سایه دولت پناه یابند که ایشان بیمن شفاعت او بدرگاه احدیت باز گردند و محبان بواسطه او بر بساط انبساط نشینند و مقربان بوسیله
او از گلشن قرب و اختصاص گلها مراد چینند در منهاج العابدین مذکور است که شیطان بنسبت آنانکه دوستان و هیند (?) از ارباب بدعت و ضلال
در مقام قصد و بدخواهی بمرتبه ایست که ایشان از انجمن سجین و مضیق اسفل سافلین پس بنسبت زهاد و عباد و جمعی که ایشان در مرتبه عداوت و عناد بتصور
توان کرد که چه حال خواهند داشت و پیوسته این دشمن کینه ور بتهیه اسباب فساد و مداخل قصد مهیای است از آدمی از بیخ الی غافل زاهل شده
بدفع وی نمی پردازد یحیی ابن معاذ رازی رحمة الله فرموده که ای پسر آدم همواره شیطان بقصد تو مشغول است و تو از وی فارغ و دایم او ترا یاد میکند و تو
او را فراموش کرده ب ازین دشمن مشو غافل که ناگاه کمین بگشوده آید بر سر راه بدو رش تا بتی بدنام کردی چه بد نامی که دشمن کام کردی
پس آدمی زاد بدفع او روی آوردن و چاره و ایمنی از مکر او حاصل کردن لازمست در کار بردن بدو طریق رفع او اندیشیده اند اول مجاهده و محاربه
و مداومت او متوجه بودن این راهی بغایت دراز است سلوک آن بی صعوبتی میسر نشود و اگر سالک یک چشم زدن غافل شود شیطان
مقصود خود در او حاصل میتواند کرد طریق دوم که سهل است و خاطر کلی از نکایت او ایمن میشود استعاذه است هر مجادله و محاربه با شیطان
مانع است از خدمت رحمن پس حق آن باب استعاذه اشتغال نماید از شر شیطان پناه بحضرت الله برد ایزد تعالی بمحض عنایت و صرف حمایت شر و
شیطان را ازو دور سازد و ازین جا گفته اند حقیقت استعاذه تسلیم شدنست و کار خود را بحق واگذاشتن چنانچه حضرت خلیل الرحمن صلوات الله
علیه فرموده اسلمت لرب العالمین و بحقیقت شیطان سگیست بر درگاه عزت بر کمین نشسته و هر که متوجه بارگاه کبریا میگردد بقصد آن شخص
پس اگر کسی بمجادلت یا رمت یا بتدارک و منازعت او اشتغال نماید با وجود رنج بسیار فرصت بدان وفا نمیکند اغلب آنست که او ظفر یافته
بچنگال فریب اضلال انیاب وسوسه خیال آلت المجروح مغلوب میسازد در حال رجوع بخداوند سگ نمودن و از مضرت او بصاحبش گریز نمودن
قادر است پناه بردن مناسب مینماید ب استعاذه از آن گدا آموز که سگ ترک کین شود کین دوز تیک از سگ گریز گیر پش رخبد
سوی ترک سگ اندیش خویش الحند بجز کاش کند از عجز خویش آکاش که خدایا برس ابویادم ورنه سگ سکیند زنیادم
ترک چون منعف حال و پیند زاری ابتهال و پیند در جواز خودش پناه دهد وین از سگ سرش آزاد هد پس طریق استعاذه
برحمن ازروی مجاهده و محاربه با شیطان انسبست و نیاز بدرگاه خداوند بنده نواز بامنی از مضرت آن فریبنده دغا باز اولی اللهم یا
حفیظ یا قوی یا عفو رحیم سنا بجمالک عن هذا الکلب العقور نکته ثانی در فواید استعاذه بدانکه فایدهای استعاذه از
حد حساب افزونست و از حیز شمار بیرون از جمله پنج فایده در بیجا مذکور میگردد اول آنکه استعاذه امتثال فرمان حق تعالیست که
بندگان ازان مامور ساخته و بر امری اجری عظیم متفرع خواهد بود و اگر مقدار مبالغه کرده از مطاوی کلمات قرآنی بجهة تسبیح واقع شده در باب
استعاذه بهمان دستور واقع شده مثلا کلمات مشتمل بر تسبیح را بچهار نوع ذکر میکنند مصدر چون سبحان ربک و ماضی چون
سبح لله مضارع چون یسبح لله و امر چون سبح اسم ربک و همچنین کلمات منطوی بر استعاذه بوجوه اربعه مذکورست مصدر چون
معاذ الله ماضی چون انی عذت بربی مضارع چون اعوذ بالله امر چون فاستعذ بالله و هر آینه در من نغمی سرگی
خواهد بود دوم آنکه استعاذه سبب معرفه آفریدگار است و توضیح این نکته آنکه استعاذه اقرار است از بنده بعجز نفس خود و احتیاج

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)